

آقای دکتر بهشتی دبیر محترم شورای اقلاب

بنیان گن برآمد افتاد.

در ایام تحصیل در دانشکده در درس اقتصاد که بحث مطهري "بيان" میگوید بیان بود و این تمنیل ذکر شده بود که یک "عدد تخم مرغ" اگر صرف ناشتا شود "مال معرفی" بوده و اگر ۲۰ روز زیر مرغ گذارند تبدیل شوند، متفاوتان و بمنظر بیان نشستند.

از فرمایشاتتان و بمنظر بیان نشستند. مقدمه کلام که با شرح چند بعدی بودن انسان آغاز شد و ذم نشاخان درباره طلاقوتان که ذی بعد شناخته شدند و نیز هر شناخوان دیگر که طرف مدد را بطری غور و خارج از خود شدن پیشاند بعمل آمد، مجموعاً مخصوصاً در حد این جمله مقصود گردید که مومن آله شاگرد مکتب "امان" خوبی بوده باشد.

عده دیگر نیست بلکه گفی است. موقع تقسیم غذا، عدالت حکم میکند که کس دریک حد "سیزه" از آن صرف نایاب و در تقسیم پوشکاً میگیرد آنکه اشتها کم دارد و کم بخورد از باقی غذای چاشت خود "سیزه" تکشیل میدهد و آنکه سیر شده خود را مجده مخصوصی میپند.

پس بايد توجه نمود که عدالت در تقسیم ثروت بمقیمه "امان" بوده تا دانه سخن پانچا کشید که باستی تروتها بین مردم تقسیم شود و عملی که لازمه و جزء اصول اقلاب بوده و بکمال تراخیر افاده است در برنامه فوای کارهای روزانه قرار داده شد.

این اقتضایات "برای اینکه" ملکت فردی که در مکتب اینکه "عامل فعالیت" شناخته شده است در قاعده عادلانه قرار گیرد لازم است "امکانات" بطور تساوی در دسترس مردم قرار گیرد تا توزیع ثروت قهرا صوت عادلانه تری بخود یابد.

جامعه طبقاتی اگر به صرف تعلک بیزان ثروت مادی مشخص شود ملاک صحیحی نخواهد بود چه خود "ثروت" اندوزی "مغلول" تجاوز از طایپها و در هم کوچیدن میارهای حق و عدالت اجتماعی را در این جهت دستور میگیرد.

وقتی بمندی کلمه وجود دارد که عدای انتیز این اقتضایات شریف بیش.

شهرت افراد داشته باشد و انصاف دهد که در جامعه

و سیاسی که بعده دارای مبالغه ای از عقل در مقابله وظایه ای.

انقلاب در عالم چنانچه ای از عدالت "را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شریف بیش.

ایکاش بجای پرداختن بمسائل اقتصادی که همان شورای

انقلاب در عالم پیشان و جند ماهه کی "میزان عدالت" را دست

گرفته است؟ مگر جنابعلی از اول انقلاب عفو و شرای "الاکلف الله نفساً الا وسعهاً" ولا تکتموا الشهادة" لازم

میدانم حتی احساس خود را بپرداز باشند و خانواده ای از میان گذارم.

زیرا چه بسا همین یک کلمه نکفتن، فرضت دهد که اخکری

حریقی ایجاد نایاب و از قدرات بارانی که بظاهر آیات

زمزم اوقات شر

